



نقوذ بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ در روند آموزش و نهادینه شدن اصول و مفاهیم حاکم بر محیط زیست در

حوزه حقوق بین الملل

علی رضائی^{۱*}، عسکر جلالیان^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه پیام نور

۲. دانشیار، گروه حقوق بین الملل، دانشگاه پیام نور

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۱

دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۰

The influence of the Stockholm Declaration of 1972 on the training and institutionalization of the principles and concepts governing the environment in the field of international law

A. Rezaei¹, A. Jalalian²

1. M.A. student of international law, South PNU Center, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. Associate Professor of International Law, South PNU Center, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 2017/07/01

Accepted: 2017/10/03

Abstract

The basis of the formation of international environmental law is based on soft law. Therefore, the present study aimed to investigate the influence of the 1972 Stockholm Declaration on the process of teaching and institutionalization of the principles and concepts governing the environment by documentary method and as a descriptive-analytical research. The United Nations Conference on the Human Environment, as the first major conference on international environmental issues, stems from the rapid growth of global awareness of the international environment in the 1960s. Given the fact that the final document of this conference is in the category of non-binding documents, it is questionable whether this statement was valid in the process of education and the institutionalization of environmental rights. In this regard, due to the necessity of explaining more non-binding documents in international environmental law, it was attempted to study the documents and resources affected by the statement. Studies have shown that this statement, as a milestone in the process of education and development of environmental rights, recognizes the right to a healthy environment, has drawn close attention to the environment and fundamental human rights, and proposes the formation of international institutions, Such as UNEP and the Global Environment Facility, have integrated the process of global cooperation in the field of structural development and education of environmental rights, and by collecting common principles and concepts in a non-binding legal text, its manifestation and ratification in the next binding documents Has provided.

Keywords

Stockholm Declaration 1972, The environment, Education, Principles, Concepts, International Law.

چکیده

اساس شکل‌گیری حقوق بین‌الملل محیط زیست بر پایه حقوق نرم می‌باشد. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقوذ بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ بر روند آموزش و نهادینه شدن اصول و مفاهیم حاکم بر محیط زیست به روش اسنادی و در قالب پژوهش توصیفی-تحلیلی انجام شد. کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست انسانی، به عنوان اولین کنفرانس عمده در زمینه مسائل بین‌المللی محیط زیست، برآمده از رشد سریع آگاهی‌های جهانی در مورد محیط زیست بین‌المللی در دهه ۱۹۶۰ می‌باشد. باتوجه به این که سند پایانی این کنفرانس در ردیف اسناد غیرالزام آور جای دارد، این سؤال مطرح است که آیا این بیانیه در روند آموزش و نهادینه شدن حقوق محیط زیست نافذ بوده است؟ در همین راستا به دلیل ضرورت تبیین هرچه بیشتر اسناد غیرالزام آور در حقوق بین‌الملل محیط زیست، نسبت به مطالعه و بررسی اسناد و منابع متأثر از این بیانیه اقدام شد. بررسی‌ها نشان داد که این بیانیه به عنوان نقطه عطفی در فرایند آموزش و توسعه حقوق محیط زیست با به رسمیت شناختن حق برخورداری از محیط زیست سالم، ارتباط تنگاتنگ میان محیط زیست و حقوق بنیادین بشر را مورد توجه قرار داده است و با پیشنهاد تشکیل نهادهای بین‌المللی، همچون یونپ^۱ و صندوق محیط زیست جهانی به روند همکاری‌های جهانی در زمینه توسعه ساختاری و آموزش حقوق محیط زیست انسجام بخشیده و با گردآوری اصول و مفاهیم عرفی در یک متن حقوقی غیرالزام آور، زمینه تجلی و تصویب آن را در اسناد الزام آور بعدی فراهم آورده است.

کلیدواژگان: بیانیه استکهلم ۱۹۷۲، محیط زیست، آموزش، اصول، مفاهیم، حقوق بین‌الملل.

*نویسنده مسئول - رایانامه: Rezaei163 @ yahoo.com

مقدمه

از قرن ۱۹ که معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی ظهور پیدا می‌کنند آهسته آهسته شاهد توجه به رعایت اصول و چارچوب‌های زیست محیطی در قالب استانداردها و بتدریج ایزوها می‌باشیم. حقوق بین‌الملل که با هدف تنظیم رابطه میان بازیگران حوزه بین‌الملل پا به عرصه گذاشته یکی از توجهات جدی خود را به مقوله محیط زیست سوق داده و از این مقوله تحت عنوان حقوق بین‌الملل محیط زیست یاد می‌کند تا بتواند زیست بشری که به نوعی با زیست گیاهی، جانوری و حتی زیست جمادی پیوند ناگسستنی دارد، حفظ و حراست نماید. محیط زیست چه درحوزه ملی و چه در حوزه بین‌المللی و جهانی گره تنگاتنگی با زیست و حیات بشری دارد. به هراندازه که مورد تعرض و تخریب قرار گیرد ادامه زیست بشری را دچار اختلال می‌نماید. دولت‌ها به دلایل فراوانی متأسفانه چنانکه باید نسبت به مراعات محیط زیست توجه نکرده‌اند و اتفاقاتی که به تبع جهانی شدن رخ داده است باعث گردیده حقوق بین‌الملل محیط زیست پس از ابراز وجود به سرعت تحول یافته و در روابط حقوقی حوزه بین‌الملل نهادینه شود (Jalalian, 2016). وقوع حوادث ناگواری همچون حادثه کشتی توری کانیون^۱ از یک طرف که ضرورت قاعده-مندسازی رفتارها و اقدامات را هشدار می‌داد و از سوی دیگر، میل به داشتن محیط زیست سالم و پیشگیری از تخریب و نابودی آن، اعضای جامعه بین‌المللی را به سمت و سوی تدوین و تصویب اسناد حقوقی در این زمینه تشویق می‌نمود و موجبات تدوین و گسترش اصول و قواعد حقوقی الزام‌آور زیست محیطی، در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌آورد (Molaei, 2009) و در عمر کمتر از ۵۰ سال بالغ بر ۱۰۰ کنوانسیون و معاهده تخصصی در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست که عمدتاً از محلی و منطقه‌ای فراتر می‌باشند، تدوین گردیده است (Jalalian, 2016). از همین رو در سال‌های اخیر حقوق بین‌الملل محیط زیست به عنوان بخشی از نظم عمومی اجتماع بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است و با طرح دسترسی به محیط زیست سالم به عنوان یک حق بشری در بیانیه استکهلم^۲، ۱۹۷۲، این مساله از اهمیت خاصی برخوردار شده است. همچنین موضوعات مرتبط با آلودگی محیط زیست، تعهدات و مسئولیت کشورها، تلقی محیط زیست به عنوان میراث مشترک بشریت و مسائلی از این قبیل باعث شد تا کشورها، به عنوان واضعان اصلی قواعد حقوق بین‌المللی، با همکاری دیگر بازیگران بین‌المللی گام

های مؤثری را در خصوص قاعده‌مند ساختن رفتار کشورها و دیگر بازیگران بین‌المللی در حوزه محیط زیست بردارند و به همین رو از دل حقوق بین‌الملل گرایشی با عنوان «حقوق بین‌الملل محیط زیست» پدید آمده است و به طور کلی این فرضیه وجود دارد که این رشته از حقوق، از زمان کنفرانس سازمان ملل متحد درباره انسان و محیط زیست^۳، استکهلم ۱۹۷۲ توانسته است به جایگاه فعلی خود برسد و بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ به عنوان اولین نقطه عطف توجه بین‌المللی به مسائل محیط زیست در وسعت جهانی، پایه و اساس صدور بسیاری از قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌های حاوی اصول و مفاهیم و شکل‌گیری و آموزش قواعد الزام‌آور و غیرالزام‌آور حاکم بر محیط زیست است. با وجود اینکه حقوق نرم^۴ یکی از منابع مهم در حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌باشد اما در میان حقوقدانان از نظر اثر حقوقی و میزان نفوذ آن، ماهیت تبعیت تابعان حقوق بین‌الملل از قواعد مذکور و دامنه قابلیت استناد، بسیار مورد اختلاف است و بیانیه استکهلم نیز به عنوان یک سند غیرالزام‌آور در حوزه محیط زیست از این قاعده مستثنی نمی‌باشد و این سؤال مطرح است که نفوذ بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ در توسعه ساختاری، آموزش و نهادینه شدن حقوق بین‌الملل محیط زیست چگونه بوده است؟ در این چارچوب در پژوهش حاضر با هدف توضیح و تبیین ابعاد نفوذ بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ به عنوان یک سند غیر الزام‌آور به بررسی پیشینه تاریخی حقوق بین‌الملل محیط زیست، تبیین جایگاه منابع توصیه‌ای در حقوق بین‌الملل، توصیف و ارزیابی کارکردهای بیانیه در توسعه ساختاری، نهادینه شدن اصول و مفاهیم و آموزش محیط زیست پرداخته شده است.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی _ تحلیلی می‌باشد و در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای _ اسنادی استفاده شده است که شیوه‌ای مرسوم می‌باشد. پژوهش توصیفی _ تحلیلی را می‌توان به صورت یک پیوستار در نظر گرفت که با توصیف آغاز و به تحلیل و در نهایت استنتاج می‌انجامد. ماهیت پژوهش کیفی و از نوع تحقیقات بنیادین است و برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش هیچ‌گونه داده کمی گردآوری نشده است و برای جمع-آوری اطلاعات با توجه به مساله پژوهش، منابع شناسایی گردید و با مطالعه دقیق از نکات مرتبط با مساله پژوهش یادداشت

3.The United Nations Conference on the Human Environment -1972

4.Soft law

1. Torry Canyon

2. Stockholm Declaration (1972)

برداری و پس از بازبینی یادداشت‌ها، یافته‌ها، تجزیه و تحلیل و در نهایت نتیجه‌گیری صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

پیشینه تاریخی حقوق بین‌الملل محیط زیست

حقوق بین‌الملل محیط زیست به عنوان سلسله‌ای از قواعد عرفی و قراردادی بین‌المللی از جدیدترین و گسترده‌ترین شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی است که جهت تنظیم روابط تابعان حقوق بین‌الملل در زمینه حفاظت از محیط زیست ایجاد شده است (Jalalian, 2016). توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست در دهه‌های اخیر بیش از هر چیز مبتنی بر نیازها و ضرورت‌های زیست‌محیطی بشر بوده است و اخطارهای دانشمندان و فشار افکار عمومی بین‌المللی، دولت‌ها را وادار کرده است تا نسبت به حفاظت از محیط زیست جهانی با مسئولیت بیشتری برخورد نمایند. در این راستا، تدوین ابزارهای حقوقی الزام آور و غیرالزام آور در خصوص حفاظت جهانی محیط زیست از دهه ۱۹۷۰ در حقوق بین‌الملل آغاز گردید (Poorhashemi et al., 2014). استفاده و برخورداری از محیط زیست سالم، امروزه از حقوقی است که در قالب نسل سوم حقوق بشر تجلی یافته است و تحقق آن سود همگان و نقض آن زیان همگان را به دنبال خواهد داشت (Lotfi et al., 2011). حقوق بین‌الملل تلاش کرده‌است تا با تدوین قوانین و مقررات بین‌المللی، دولت‌ها را پایبند به حفاظت از محیط زیست نماید. در همین راستا «بین‌المللی کردن حفاظت محیط زیست» را می‌توان به عنوان یک رهیافت نوین در حقوق بین‌الملل معاصر به شمار آورد. آغاز نهضت محیط زیستی را باید از دهه ۱۹۶۰ در نظر گرفت (Taghizadeh Ansari, 2005)، اگر چه از سال ۱۹۲۶ فعالیت‌هایی پراکنده در این زمینه وجود داشته است (Aghaei, 1996). دانشمندان حقوق، سیر تحول حقوق بین‌الملل محیط زیست را به سه یا چهار دوره تقسیم می‌کنند (Peter, 2015) که در حالت اخیر این دوره‌ها شامل دوره قبل از کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲، مقطع مابین کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ تا کنفرانس ریو ۱۹۹۲، و دوره کنفرانس محیط زیست و توسعه ریو ۱۹۹۲^۱ و در نهایت از کنفرانس ریو تا کنفرانس ریو ۲۰۰۲^۲ می‌باشد. دوره اول از نیمه دوم قرن هیجدهم با تدوین قراردادهای عمدتاً دوجانبه در زمینه ماهیگیری و منابع

جاندار دریایی آغاز گردید و با گسترش آن به سایر زمینه‌ها از جمله حیات وحش، گونه‌های گیاهی و جانوری نادر و در حال انقراض از اوایل قرن بیستم وارد مرحله جدیدی شد. مهم‌ترین ویژگی این دوره تاریخی، منطقی‌ای بودن و ایجاد تعهدات قراردادی میان دولت‌ها برای حفاظت از یک منطقه خاص به شمار می‌رود. این روند ادامه داشت تا این که در دهه شصت میلادی که معروف به دهه جنبش‌های دانشجویی (جنبش زنان، جنبش سبزه‌ها و جنبش پست مدرنیسم) بود، دولت‌های مربوطه را وادار به برگزاری کنفرانس استکهلم نمود. کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ به عنوان اولین نقطه عطف در فرایند تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست با به رسمیت شناختن حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر، ارتباط تنگاتنگ میان توسعه با محیط زیست را مورد توجه قرارداد. دوره سوم توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست که با آغاز برگزاری کنفرانس محیط‌زیست و توسعه ریو ۱۹۹۲ همراه است را می‌توان دوره واقع‌نگری، جامع‌نگری، اصلاحات و ظهور اختلافات کشورهای مختلف جهان در زمینه محیط زیست نامید. در این دوره قواعد و مقررات زیست محیطی بین‌المللی در چارچوب مفهوم توسعه پایدار، تکامل یافته و در موارد لازم اصلاح گردید تا با واقعیات جهانی هماهنگی داشته و در عمل قابل اجرا باشد. در این دوره، دستور کار ۲۱ به عنوان یک برنامه اقدام بین‌المللی مورد استقبال تعداد زیادی از کشورها قرار گرفت و مواردی از آن در قوانین داخلی کشورها وارد شد. دوره چهارم توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست که از پایان کنفرانس سران زمین ۱۹۹۲ آغاز و تا کنفرانس ریو+۲۰ ادامه می‌یابد، با برگزاری کنفرانس توسعه پایدار در ژوهانسبورگ ۲۰۰۲^۲ چهارمین بیانیه و متن غیرالزام آور حقوقی به تصویب رسید. برگزاری کنفرانس ریو+۲۰ در برزیل سکوی پرتابی به سمت تثبیت و پایداری در زمینه توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی می‌باشد. از دستاوردهای کنفرانس ریو+۲۰، تصویب «منشور جامع توسعه پایدار» و تدوین سندی تحت عنوان «آینده‌ای که ما می‌خواهیم»^۳ در دهم ژانویه ۲۰۱۲ است (Poorhashemi & Arghand, 2013). همان گونه که ملاحظه گردید مهم‌ترین توجهات در زمینه حقوق بین‌الملل محیط زیست در قالب کنفرانس‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نمود داشته است و انسان پرورده شده در دامان طبیعت، پس از طی دوران متنوع ارتباطش با محیط زیست، اینک در قالب مجامع و تجمعات دولتی و غیردولتی به آن نقطه

1. United Nations Conference on Environment & Development. Rio de Janeiro, 1992
2. United Nations Conference on Sustainable Development . Rio de Janeiro 2012

3. The Future We Want

جهانی دولت‌ها را به همراه می‌آورد و در این راستا توسعه حقوق بین‌الملل نیز نه براساس تلاش برای مکلف‌سازی دولت‌ها برای پذیرش اسناد جدیدتر الزام آور، بلکه چارچوب سازی برای توسعه همکاری صورت خواهد گرفت. لذا حقوق نرم، برنامه مدار است تا دستور مدار و به جای اعمال الزام‌های سخت به ارائه دستورالعملی راهگشا برای خروج از مشکلات جهانی گرایش دارد. این قبیل منابع که بنابر دلایل سیاسی عمدتاً به اتفاق آرا یا تنها با چند رأی ممتنع در برابر اکثریتی قاطع به تصویب می‌رسند بیانگر آن هستند که اعضای جامعه بین‌الملل در برهه زمانی خاص و درباره موضوعی معین به اجماع دست یافته‌اند. و احراز چنین اتفاق نظری در میان اعضای جامعه بین‌الملل عنصر مادی لازم برای ایجاد عرف بین‌المللی را که از جمله منابع اصلی و الزام‌آور حقوق بین‌الملل است، فراهم می‌کند که می‌توان آن را نوعی توافق ضمنی نسبت به ایجاد قواعدی جدید در حقوق بین‌الملل به شمار آورد. همچنین این قبیل منابع را می‌توان ابزاری برای تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل دانست. ممکن است استدلال گردد اسنادی که بدین ترتیب حاوی تعهدات به اصطلاح نرم می‌باشند، نمی‌توانند اساساً حقوقی تلقی گردند و از آنجا که فاقد هر گونه الزام حقوقی هستند، تعهدات مندرج در آنها را نیز نمی‌توان در زمره قواعد حقوقی محسوب نمود. با این وجود بعنوان مثال می‌توان به این نکته اشاره کرد که جامعه جهانی «حقوق اعلامیه جهانی حقوق بشر» را با همه نرم بودن به همراه «میثاق حقوق مدنی سیاسی» و نیز «میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، مجموعاً «منشور حقوق بشر» نامیده است.

یکی از ویژگی‌های ناب حقوق نرم آن است که دولت‌ها با این اعتقاد که تعهدی به انطباق رفتار خود با قواعد مذکور ندارند آن را مورد رعایت قرار می‌دهند و با این اعتقاد که هر زمان اراده دولت بر عدم تبعیت از قاعده مذکور قرار گرفت از استمرار پیروی از قاعده موجود صرف‌نظر خواهد نمود. همین خصیصه حقوق نرم است که موجب می‌گردد آن دسته از قواعد نرمی که با اقبال دولت‌ها مواجه می‌گردند و به صورت گسترده مورد استفاده آنها قرار می‌گیرند رفته رفته قابلیت تبدیل به قواعد الزام آور عرفی و یا انعکاس یافته ضمن معاهده را پیدا کنند. با وجود مطالبی که در خصوص قابلیت تبدیل قواعد نرم به مقررات الزام آور عرفی و یا معاهده‌ای تشریح گردید لیکن نمی‌توان در تأثیر قاعده نرم به وجود آمده ولو به ابتکار سازمان ملل نیز اغراق ورزید. به‌عنوان مثال اندک زمانی پس از تصویب اعلامیه حقوق بشر، دولت‌ها یک به یک با صدور اعلامیه‌هایی ابراز داشتند که مفاد مندرج اعلامیه صادره به موجب قطعنامه مجمع عمومی جنبه الزام آور برای دولت‌ها نداشته بلکه صرفاً این بیانیه گویای اصول آرمانی

رسیده است که برای حفظ محیط زیستش قواعدی را بنا نهاده و خود را ملزم به رعایت آن بداند چرا که حقوق بین‌الملل محیط زیست، ابزار مهمی برای نظارت و مدیریت توسعه پایدار است. امروزه آگاهی‌های عمومی نسبت به بحران‌های زیست محیطی با آموزش و همکاری‌های بین‌المللی توسعه یافته و نگرش مشترک در خصوص جلوگیری از خسارات زیست محیطی و حق به داشتن محیط زیست سالم در بین دولت‌ها و افراد مشاهده می‌گردد (Jalalian & Najafi Asfad, 2012). به نحوی که حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم به وسیله بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای جهان به رسمیت شناخته شده و در تعدادی از اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها، این حق را به رسمیت شناخته‌اند. (Kiss et al., 2002). در خاتمه همان‌گونه که مک‌کافی^۱ (1993) خاطر نشان کرده است حقوق بین‌الملل محیط زیست در ابعاد گوناگون در حال گسترش و توسعه است.

جایگاه منابع توصیه‌ای در حقوق بین‌الملل

منابع توصیه‌ای از قبیل بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها و برنامه‌های عمل و غیره اگر چه اسناد رسمی هستند، اما فاقد اثر حقوقی الزام آور بوده و صرفاً توصیه‌های برای جامعه بین‌المللی در برداشته و فاقد سیستم نظارت و ضمانت اجرایی می‌باشند و در زمره حقوق نرم جای دارند. گرچه حقوق نرم، حقوق غیرالزام آور تلقی می‌شود و تخطی از این حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را به همراه ندارد ولی دولت‌ها آزادی عمل و تمایل بیشتری در تصویب این گونه اسناد دارند (Poorhashemi, 2016).

در رابطه با ماهیت حقوق نرم میان حقوقدانان اختلاف نظرهای عمیقی وجود دارد. نظرات موجود طیف گسترده‌ای از اعتقاد به الزام‌آوری قواعد نرم برای دولت‌ها و دیگر تابعان حقوق بین‌الملل و از سوی دیگر بی‌اثری و غیرحقوقی بودن قواعد مذکور را شامل می‌گردد (Chinkin, 1989). اما وجه اشتراک آنها قصد واضعان مبنی بر عدم الزام حقوقی از یک سو و از سوی دیگر برخورداری از تأثیر عملی و ضریب نفوذ بالا در رفتار گروه هدف است (Morth, 2004). بسیاری از قواعدی که پیش از این تحت عنوان قواعد نرم از آنها یاد می‌گردید، امروزه در زمره قواعد حقوق سخت^۲ و الزام آور محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد با توجه به روند جهانی شدن، توجه به همکاری و مشارکت بیشتر در عرصه روابط بین‌الملل بیش از توسعه ابزار سنتی قدرت، اعتبار

1. McCaffrey

2. Hard law

فراتر از نبود هرگونه تعهدی را مورد قبول قرار می‌دهند.

کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲

در حال حاضر پنجم ژوئن ۱۹۷۲، روز افتتاح اولین کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص محیط زیست انسانی در شهر استکهلم که هر ساله به عنوان روز جهانی محیط زیست جشن گرفته می‌شود، سرآغاز دوره مدرن حقوق بین‌الملل محیط زیست قلمداد می‌شود. تشکیل این کنفرانس پاسخی به افزایش خطرات زیست محیطی در سطح جهانی بوده است (Peter, 2012). در همین راستا مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۳ دسامبر ۱۹۶۸، به موجب قطعنامه شماره ۲۳۹۸ پیشنهاد تشکیل یک کنفرانس جهانی درباره محیط زیست انسانی را تصویب کرد که حدود ۴ سال بعد، در طی روزهای ۵ تا ۱۶ ژوئن ۱۹۷۲، کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست انسانی در شهر استکهلم، پایتخت کشور سوئد تشکیل شد (Patricia & Alan, 1996). در آن کنفرانس بیش از ۶۰۰۰ نفر به نمایندگی از ۱۱۳ کشور و نزدیک به همین تعداد نمایندگان از سازمان‌های بین‌المللی و ۷۰۰ نفر ناظر اعزامی از ۴۰۰ سازمان غیردولتی و ۱۵۰۰ خبرنگار شرکت داشتند (Bor et al., 1998). در این کنفرانس چند سند مهم به تصویب رسید که از جمله می‌توان به بیانیه کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست انسانی در ۲۶ اصل در جهت حفاظت از محیط زیست و یک برنامه عمل مشتمل بر ۱۰۹ توصیه در مورد تمهیدات هماهنگ برای مقابله با مشکلات زیست محیطی اشاره کرد (Stockholm Dec., 1972).

تبلور اصول و مفاهیم حاکم بر محیط زیست در بیانیه

استکهلم ۱۹۷۲

بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ به عنوان یک سند غیرالزام‌آور در مقدمه خود اذعان نموده است « آدمیان از هر چیزی دردنیا با ارزش‌تر هستند » با این تعبیر ارزشمند در مقدمه این بیانیه، باید حیات انسانی به عنوان بزرگ‌ترین گوهر وجودی انسان از هرگونه تهدید و مخاطره محفوظ بماند تا با ارزش‌ترین موجود دنیا بتواند ضمن تجربه‌اندوزی به اکتشاف، اختراع و پیشرفت خود ادامه دهد. بند یک مقدمه با اشاره به اینکه « انسان مخلوق و شکل دهنده محیط زیست خود است...»، بقای فیزیکی و رشد معنوی جامعه انسانی را در فرض وجود محیط زیست سالم امکان‌پذیر دانسته است (Stockholm Dec., para.1). و تنزل کیفیت محیط زیست یک تهدید جدی برای بقای انسان می‌باشد و حمایت از بهسازی محیط زیست مستقیماً از نیازهای حیاتی برای حفاظت از

است که کشورها می‌بایست تحت «تعهدی به وسیله» و نه «به نتیجه» در راه نیل به رعایت آنها گام بردارند. نقل قول مذکور مبین عقیده حقوقی غالب دولت‌ها در خصوص قواعد نرم می‌باشد مبنی بر آنکه این‌گونه مقررات بیانگر آرمان‌ها و پیشنهادهای چند در خصوص مسائلی است که اگر چه ممکن است از قضا حائز اهمیت ویژه نیز باشند اما غیرالزام‌آور بوده و بیشتر با هدف تعیین خطامشی در رسیدن به اهداف مورد نظر تدوین گردیده‌اند (Dupuy, 1991) و تا قواعد مذکور از سطح قواعدی نرم و غیرالزام‌آور فراتر نرفته و به قواعد الزام‌آور تبدیل نشده‌اند، می‌تواند توسط رویه مغایر دولت‌ها در تاریخ پس از شکل‌گیری قاعده نرم مورد تعدیل، تغییر، اصلاح، ترک و یا حتی نسخ قرار گیرند (Klabbers, 1998). لذا حقوق نرم ابزار مناسبی است که با ایجاد چارچوب‌های غیر الزام‌آور راه را برای مشارکت در جامعه بین‌الملل هموار می‌سازد. تصویب اسناد حقوق نرم نمایانگر گرایش‌ها به سوی توسعه نرم‌ها و ترغیب کشورها در مشارکت برای توسعه قواعد نوین می‌باشد.

از خصوصیات حقوق بین‌الملل محیط زیست این است که اساس این حقوق بر پایه حقوق نرم بنا گردیده است. حقوقی که بر بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها، اصول اجرایی و ... مبتنی گردیده و ضمانت اجرای حقوقی محکمی ندارد. « اعلامیه استکهلم و ریو » دو نمونه بارز از این دست اسناد در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست محسوب می‌گردند. اسناد مذکور زمینه و بنیان قواعد الزام‌آور آینده را فراهم می‌سازند. این گونه اسناد حاوی تعهدات نرم، مجموعه استانداردها و دستورالعمل‌هایی را جهت انطباق رفتار کشورها با اصول کلی حقوق بین‌الملل محیط زیست فراهم می‌نمایند در عین حال عاری از الزام حقوقی و فشار بین‌المللی قواعد سخت می‌باشند و ضمانت اجرای آنها، رفتار متقابل کشورها می‌باشد. اگر چه با ادامه رفتار دولت‌ها و استمرار رعایت قاعده‌ها زمینه تبدیل آنها به قاعده‌های عرفی و یا انعکاس آن ضمن معاهدات فراهم می‌گردد (Dupuy, 1991). این اسناد، اصول فلسفی دفاع از محیط زیست در برابر بوالهوسی بشر مصرف‌گرا را تبیین کرده و دکترین توسعه پایدار را بنا نهاده‌اند و ضمن هدایت تدریجی حقوق بین‌الملل محیط زیست به سمت حقوق سخت، زمینه ساز تصویب ده‌ها کنوانسیون و قرارداد جهانی درباره صیانت از طبیعت شده است. فرایند تکرار اصول در اسناد هنجار بنیاد، ورود این اصول در کنوانسیون‌های بین‌المللی، استناد به این اصول در آرای داوری و دادگستری بین‌المللی همگی نشان از نقش کلیدی حقوق نرم در روند توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست دارد. اصول حقوق نرم محیط زیست محصول وفاق عام است و کشورها با گزینش حقوق نرم چیزی

(Stockholm Dec., para.4). لذا اهداف زیست محیطی باید با همراهی و هماهنگی اهداف تأیید شده بنیادی صلح و توسعه جهانی اقتصاد و اجتماع با همکاری‌های بین‌المللی درگردآوری منابع برای حمایت از کشورهای در حال توسعه برای انجام مسئولیت‌های زیست محیطی دنبال گردد.

بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ در اصول اول تا پنجم، حق انسان در برخورداری به شکل آزاد و برابر از شرایط زیست محیطی مناسب برای زندگی را در زمره حقوق بنیادی انسان قرار داده است و ضمن تأکید بر مسئولیت افراد در قبال حفظ و بهبود محیط زیست برای نسل حاضر و نسل‌های آینده به ضرورت مدیریت و برنامه‌ریزی برای حفاظت از منابع طبیعی و اکوسیستم‌های طبیعی، حیات وحش، منابع قابل تجدید حیاتی و منابع غیرقابل تجدید برای استفاده نسل‌های کنونی و آینده اشاره دارد. و در اصول ششم و هفتم هم به نوعی خواستار جلوگیری و توقف هرگونه آلودگی بیش از ظرفیت مجاز به محیط زیست و دریاها است که به نوعی اشاره به اصل جلوگیری (پیش‌گیری) در حقوق بین‌الملل محیط زیست دارد. باتوجه به آنچه ذکر شد مشاهده می‌شود. منافع عمومی بشر با دو مفهوم میراث مشترک و حقوق نسل‌های آینده ارتباط تنگاتنگ داشته، به نحوی که حفظ حقوق نسل‌های آینده در گروه حفظ منافع آنها است و این منافع میراثی است که از نسل حاضر به نسل آینده منتقل می‌گردد. اما نکته مهم در این است که با توجه به اهمیت موضوع، هنوز خواست و اراده دولت‌ها در جهتی نیست که این موضوع به عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست مطرح گردد (Poorhashemi & Arghand, 2013). نکته جالب توجه دیگر در اصل ۱ بیانیه، اشاره به منع سیاست‌های ترویجی و یا تداوم آپارتاید، تبعیض نژادی، استعماری و دیگر اشکال ظلم و ستم و سلطه خارجی و همچنین اصل ۱۵ با موضوع مشابه، به کنار گذاشتن پروژه‌های که برای استعمار و سلطه نژادپرستانه طراحی می‌شوند است. در ظاهر این یک عمل غیرعادی در یک سند زیست محیطی می‌نماید، چرا که سندهای اختصاصی و مهمی چون کنوانسیون تبعیض نژادی ۱۹۶۵ و میثاقین حقوق بشر بسیار جامع‌تر به این موضوعات پرداخته است اما اشاره به این موضوعات در این سند زیست محیطی به این نکته حیاتی اذعان دارد که مسائل زیست محیطی جنبه‌های فراتر از جنبه‌های صرفاً فیزیکی دارد. همچنین اصل ۱۵ نیز با مشروط کردن برنامه‌ریزی در زمینه مسکن و شهرنشینی به اجتناب از اثرات سوء بر محیط زیست و به دست آوردن حداکثر منافع اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی برای همه به نوعی به مفهوم توسعه پایدار و اقدامات پیشگیرانه پرداخته است. اصول ۲ تا ۷ اعلامیه استکهلم ضمن تبیین منطق حفاظت

زندگی انسان ناشی می‌گردد تا کیفیت و شرایط آن را تأمین و پیش شرط‌های غیرقابل اجتناب برای مراقبت از کرامت انسان و سعادت و توسعه شخصیت انسانی را تضمین نماید (pathak, 1992). برای اولین بار این بیانیه توانست با صراحت بین محیط زیست و حقوق بشر پیوند و ارتباط ناگسستنی ایجاد کند به گونه‌ای که بدون محیط زیست سالم، حقوق پایه بشری مثل حق حیات نیز مخدوش و متزلزل خواهد شد (Alan et al., 1998) و در واقع آنچه حقوق محیط زیست در پی آن است این است که انسان‌ها حق دارند که محیط زیست آنها از شرایط مناسب برای زندگی سعادت‌مندانانه توأم با امنیت و سلامت برخوردار باشد (Gormley, 1998). به طور کلی این بیانیه نگاهی مثبت به فعالیت‌های انسانی برای نیل به توسعه دارد اما اگر فعالیتی به ضرر سلامت جسمی و روانی بشر و باعث آسیب رسانی به محیط زیست از طریق آلوده کردن آب، هوا، خاک و به هم خوردن تعادل اکولوژیکی شود، آن را رد می‌کند (Stockholm Dec., para.3). و تأکید بر اصل حفاظت محیط زیست به انحای مختلف در اصول ۱، ۲، ۴، ۱۲، ۲۴ و ۲۵ بیانیه می‌نماید. به این ترتیب بیانیه ضمن اهمیت قائل شدن و حق دادن به بشر برای انجام فعالیت‌های معقولانه با استفاده از منابع طبیعی اطراف خود، فعالیت‌های زیانبار و غیرقابل جبران را رد کرده و چنین حقی برای جوامع بشری قائل نیست.

این بیانیه اشاره دارد بسیاری از مسائل محیط زیست، در کشورهای در حال توسعه از کمی توسعه، رشد طبیعی جمعیت و جهل و بی‌مبالاتی (Stockholm Dec., para. 4-5-6) ناشی می‌شود و بخشی از این تخریب و آلودگی‌ها ناشی از عدم آگاهی و اطلاع عموم نسبت به مسائل زیست محیطی است (Stockholm Dec., para.6). این بیانیه ضمن اشاره به برابری نسل‌ها برای اولین بار در یک سند زیست محیطی، دستیابی به این هدف را در گروه پذیرش مسئولیت توسط تمام شهروندان و اجتماعات، سرمایه‌گذاران و مؤسسات در هر سطحی و مشارکت برابر آنان در تلاش‌های عمومی فرض نموده است (Stockholm Dec., para.7) و ضمن بیان ضرورت رعایت اصل همکاری و مشارکت در مسائل زیست محیطی (Stockholm Dec., Pri.17&24)، قسمت اعظم و بار سنگین اقدامات و سیاست‌های زیست محیطی گسترده در محدوده قلمرو هر کشور را بردوش دولت‌های ملی و محلی نهاده است (Stockholm Dec., para.7). و کشورهای صنعتی را نیز ملزم نموده است که فاصله بین خود و کشورهای در حال توسعه را تقلیل دهند، چرا که مسائل زیست محیطی در کشورها معمولاً به صنعتی کردن و توسعه تکنولوژی مربوط می‌شود

موضوعات همکاری را مشخص کرده است و پس از آن تعهد دولت‌ها را به فعال کردن سازمان‌های بین‌المللی به عنوان بزرگ‌ترین نماد همکاری بین دولت‌ها در زمینه محیط زیست، بیان نموده است. اصل ۲۴ این اعلامیه نیز راهکارهایی را برای همکاری بین‌المللی پیشنهاد کرده از جمله: انعقاد قراردادهای دو یا چندجانبه، البته همکاری را فقط به این راه‌ها منحصر نکرده و در ادامه طرق مناسب دیگری به تشخیص خود دولت‌ها گذاشته است (Momtaz, 1996).

ابعاد نفوذ بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ در حقوق بین‌الملل محیط زیست

الف) توسعه و نهادینه شدن اصول و مفاهیم

در حال حاضر تقریباً تمام اسناد الزام‌آور و غیر الزام‌آور حاوی اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط زیست هستند یا اینکه به آنها اشاره شده است. از این اصول و مفاهیم می‌توان به عنوان موتورهای در حال تحول حقوق محیط زیست نام برد (Poorhashemi, 2016) که شاخص مهمی در ارزیابی توسعه این رشته حقوقی است. این بیانیه توانست اصولی همچون اصل حاکمیت با مفهوم متفاوت، اصل استفاده غیرزیان بار از سرزمین، اصل همکاری و کمک در شرایط اضطراری، اصل جلوگیری و احتیاطی، اصل اطلاع رسانی، اصل مشارکت، اصل حفاظت از محیط زیست و مفاهیمی چون مفهوم مسئولیت مشترک اما متفاوت، مفهوم حقوق نسل‌های آینده، مفهوم منابع عمومی بشر و مفهوم توسعه پایدار و مهم‌تر از همه حق بر محیط زیست را در خود بگنجانند که ناشی از حقوق عرفی بود. به عبارت دیگر این بیانیه توانست ضمن جمع‌آوری برخی از اصول عرفی پراکنده در یک متن حقوقی غیر الزام‌آور، باعث توسعه محتوای حقوق بین‌الملل در طول سه دهه گذشته و منجر به ظهور شمار زیادی از معاهدات زیست محیطی، اصول و مفاهیم و هنجارهای حقوقی شود.

توجه به این واقعیت مندرج در اصل اول اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ که محیط زیست سالم بستر لازم برای بسیاری از حقوق بنیادین بشری نظیر حیات، آزادی و برابری است، هر چه بیشتر از سودمندی محیط زیست به عنوان یک ارزش شایسته با جایگاه مستقل اخلاقی پرده بر می‌دارد. به دیگر سخن حمایت از بسیاری از حقوق و ارزش‌های فردی امکان پذیر نخواهد شد مگر اینکه بایسته‌های اساسی مانند محیط زیست محقق شود. این رویکرد با تفصیل بیشتری در اعلامیه ریو ۱۹۹۲ و در برخی اسناد منطقه‌ای حقوق بشر نظیر منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، توسعه

از محیط زیست و تهدیدات خاص به محیط زیست، اعلام می‌دارد که از منابع طبیعی جهان، نه تنها نفت و مواد معدنی بلکه به عنوان نمونه هوا، آب، زمین، گیاهان و حیوانات نیز نماینده اکوسیستم‌های طبیعی است. این منابع باید در خدمت به نسل‌های حال و آینده حفظ شوند (Stockholm Dec., Pri.2). منابع تجدید پذیر باید توانایی خود را برای تجدید دوباره حفظ و منابع غیرقابل تجدید باید از تلف کردن آنها پرهیز شود (Stockholm Dec., Pri. 3 & 5). اصول ۸ تا ۲۰ اعلامیه استکهلم روش‌های حفاظت از محیط زیست و ارتباط آن با توسعه اقتصادی و اجتماعی را مورد شناسایی قرار می‌دهد و ابزارهای مؤثر در سیاست‌های زیست‌محیطی همچون توسل به علم و فناوری، تبادل و جریان آزادانه اطلاعات و انتقال تجارب و آموزش در مورد مسائل زیست محیطی به نفع عموم جامعه بشریت مورد تأکید قرار می‌دهد. در این رابطه باید جریان آزادانه تازه‌ترین اطلاعات و انتقال تجربیات به منظور حل مسائل محیط زیست، تشویق و تسهیل گردد و فنون مربوط به محیط زیست باید بدون تحمیل بار اقتصادی بر کشورهای در حال توسعه در اختیار این کشورها قرار گیرد (Poorhashemi & Arghand, 2013). آخرین گروه از اصول بیانیه استکهلم ۱۹۷۲، در راستای توسعه حقوق بین‌الملل بسیار جالب توجه است. اصل ۲۱ این بیانیه به طور کلی در حال حاضر به عنوان یک قاعده اساسی حقوق بین‌الملل محیط زیست عرفی شناخته می‌شود (Kiss et al., 2005). کشورها مطابق با منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل از حق بهره برداری از منابع خود به موجب سیاست‌های زیست‌محیطی خود برخوردار هستند و مسئولیت تضمین یا کنترل فعالیت‌های داخل قلمرو خود را به نحوی که صدمه‌ای به محیط زیست کشورها، یا مناطق ماوراء قلمرو آنها وارد نکند، به عهده دارند. ارائه این اصل در طول جلسات مقدماتی و کنفرانس استکهلم بسیار بحث برانگیز بود. برخی از هیئت‌های نمایندگی، به ویژه از کشورهای در حال توسعه، به دنبال حاکمیت ملی قوی‌تر و به عبارتی تقریباً مطلق بودند، در حالی که کشورهای دیگر اشاره به مسئولیت دولت در چارچوب قوانین بین‌المللی تأکید داشتند. در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم تعادل ضروری بین حقوق و مسئولیت با ظرافت تمام حفظ شده است. اصل ۲۲ اعلامیه استکهلم تأکید می‌کند، به منظور دسترسی به عدالت در امور زیست‌محیطی و در راستای توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل، دولت‌ها باید در باره مسئولیت و یا جبران خسارات قربانیان آلودگی و سایر آسیب‌های زیست‌محیطی، ناشی از فعالیت داخل محدوده قانونی و یا مناطق تحت کنترل خود، در نواحی ماوراء قلمروشان همکاری کنند. اعلامیه استکهلم در اصل ۲۲ محدوده و

دیگر صدمات وارده به محیط زیست و پرداخت غرامت به قربانیان این خسارات را تدوین نمایند (Ramezani, 2007).

اصل تعهد به همکاری همه کشورهای جهان در حفاظت از محیط زیست، منعکس در اصول ۹، ۲۲ و ۲۴ بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ در بسیاری از اسناد بین‌المللی بعدی مانند بیانیه ریو ۱۹۹۲، برخی قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل و آرای قضائی محاکم بین‌المللی مورد استناد قرار گرفته است. حقوق بین‌الملل محیط زیست، یک الزام کلی به همکاری با دیگر دولت‌ها را به عنوان یک اصل در جهت برطرف کردن مشکلاتی که مربوط به جامعه بین‌المللی است، مورد توجه قرار داده است. برپایه این اصل دولت‌ها، موظف هستند در همه شرایط و با حسن نیت، برای حفاظت از محیط زیست با یکدیگر همکاری نمایند. طبیعی است که این همکاری باید در خصوص محیط زیست، به ویژه مشترکات جهانی از جمله دریای آزاد، قطب جنوب و ... برجسته‌تر باشد (Mousavi, 2006). تمایل جهانی به همکاری بین‌المللی در راستای حفاظت از محیط‌زیست، در بسیاری از اسناد غیرالزام آور و الزام‌آور حقوق بین‌الملل محیط زیست تصریح شده که آغازگر آن را می‌توان اصل ۲۴ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ دانست (Zarei et al., 2013). تعهد به همکاری بین دولت‌ها می‌تواند در قالب آموزش، اطلاع رسانی، مشورت، مذاکره یا صور دیگر محقق شود. در رابطه با تعهد به همکاری دولت‌ها در قبال حفاظت از محیط زیست می‌توان به تصمیم دیوان در قضیه سد و رویکرد دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای در قضیه ماکس^۱ اشاره کرد. دیوان در قضیه ماکس این گونه نتیجه‌گیری کرد که کنوانسیون حقوق دریاهای و حقوق بین‌الملل عمومی به منظور جلوگیری از آلودگی دریاهای از طریق اتخاذ اقدامات موقتی، موظف به همکاری با یکدیگر می‌باشند (Kiss & Shelton, 2007).

دادگاه ضمن تأکید بر همکاری اشعار می‌دارد که به موجب فصل ۱۲ کنوانسیون حقوق دریاهای و حقوق بین‌الملل عام، تعهد به همکاری یک اصل بنیادین در خصوص پیشگیری از آلودگی محیط دریایی است لذا در زمینه حمایت از محیط زیست، همکاری بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست یک اصل ضروری است (Kiss & Shelton, 1994). همچنین بر اساس این اصل، دادگاه بررسی کننده قضیه مجارستان و اسلواکی اعلام داشت: «اسلواکی به دلیل عدم همکاری بر اساس حسن نیت، تعهدات خود تحت حقوق بین‌الملل را نقض کرده است» (Dabiri et al., 2009). اعلامیه ریو نیز اصولی را برای تعهد

یافته است. همچنین دیوان اروپایی حقوق بشر در سطح منطقه‌ای بر پیوند اجتناب ناپذیر برخی از حقوق بنیادین بشری نظیر حق حیات و حق بر محیط زیست سالم تأکید کرده است (Jalalian, 2016).

بیانیه استکهلم مسائل محیط زیست را به عنوان بخشی از مسائل بین‌المللی نهادینه کرد و این اصل که کشورها موظفند با اقدامات جهانی در زمینه اداره بهینه منابع مشترک جهانی و کاهش آلودگی‌های فرامرزی همکاری نمایند، پایه‌ریزی نمود و از آن تاریخ به بعد، حق بر محیط زیست به طور مستمر در اسناد بین‌المللی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. البته بایستی این نکته را متذکر شد که اصول مندرج در این اعلامیه نیز به نوبه خود دارای ارزش حقوقی برابر نیستند. به عنوان مثال اصل استفاده غیر زیان بار از سرزمین از موقعیتی برجسته تر برخوردار می‌باشد. این اصل تعادلی بین حق دولت‌ها بر توسعه و تکلیف آنها در پرهیز از ورود خسارت به محیط زیست در ورای قلمرو ملی آنها ایجاد می‌کند (Dupuy, 1991). اصل استفاده غیر زیان بار از سرزمین برای اولین بار در ماده ۲۱ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ مورد شناسایی قرار گرفت و ۲۰ سال بعد در اصل ۲ اعلامیه ریو ۱۹۹۲ با این تفاوت که به دنبال عبارت سیاست-های محیط زیستی واژه «توسعه» اضافه شده است، تکرار می‌شود. این اصل در کنار اصل پیشگیری و احتیاطی جزء اصول مادی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست محسوب می‌شود و دارای وضعیت مستقلی در حقوق بین‌الملل موضوعه است. این اصل در اسناد و آراء داور و دادگستری بین‌المللی نیز مورد تأیید و شناسایی قرار گرفته است (Ramezani, 2007). در اجلاس آتن در سال ۱۹۷۹ انستیتو حقوق بین‌الملل به عنوان یک ارگان خصوصی به اصل استفاده غیر زیان بار از سرزمین توجه کرده و اقدام به پیش‌بینی این اصل در قالب قطعنامه‌ای تحت عنوان «آلودگی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و حقوق بین‌الملل» کرد (Firouz, 2005). تلقی اصل استفاده غیر زیان بار از سرزمین به عنوان یک قاعده عرفی جایگاه این اصل را نسبت به سایر اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست برجسته و تعهد دولت‌ها نسبت به الزام‌آور بودن مفاد آن و رعایت این اصل در روابط فرامرزی را تقویت می‌کند. تأیید مکرر این اصل در اسناد متعدد بین‌المللی گواه بر این موضوع است که اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم سنگ بنای توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست را تشکیل می‌دهد و اعمال حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی‌شان را تابع اصل مسئولیت اکولوژیک می‌داند که نوعی حاکمیت مشروط در این حوزه تلقی می‌گردد و دولت‌ها باید مطابق آن قوانین ملی خود را در خصوص مسئولیت ناشی از صدمات حاصل از آلودگی و

خواهند نمود». در ماده ۲ کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن ۱۹۸۵^۴، تحت عنوان تعهدات کلی و ماده ۴، همکاری در زمینه‌های حقوقی، علمی و فنی را مورد تأکید قرار داده است (Zarei et al., 2013). ماده ۱۰ کنوانسیون بازل درباره کنترل نقل و انتقال برون مرزی مواد زاید زیان بخش و دفع آنها ۱۹۸۹^۵ بیان می‌دارد که «اعضای کنوانسیون باید به منظور بهبود و اداره صحیح و سالم زباله‌های مضر و سایر انواع زباله از لحاظ زیست محیطی با یکدیگر همکاری کنند». بند ۵ ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۹۲ سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا^۶ نیز همکاری از طریق تبادل اطلاعات علمی و فناوری را تأکید می‌نماید. کنوانسیون بین‌المللی آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی ۱۹۹۰^۷، در ماده ۷ همکاری بین‌المللی جهت مقابله با آلودگی، در ماده ۹ همکاری فنی و در ماده ۱۰ ترغیب همکاری‌های دو جانبه و چند جانبه در زمینه آلودگی و مقابله با آن را خواستار است (Poorhashemi & Arghand, 2013). بند ج ماده ۱۹ معاهده منشور انرژی ۱۹۹۰^۸ به همکاری در جهت نیل به اهداف زیست محیطی منشور و همکاری در زمینه استانداردهای زیست‌محیطی بین‌المللی برای چرخه انرژی با در نظر گرفتن آثار سوء و کاهش هزینه‌ها بین طرف‌های متعاقد اشاره دارد. بند دوم در قسمت اهداف منشور انرژی اروپایی ۱۹۹۱^۹ به همکاری در تسهیل مبادله اطلاعات فناوری، دانش فنی و آموزش در زمینه‌های انرژی و محیط زیست تأکید می‌کند، علاوه بر آن، طبق ماده ۵ کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲^{۱۰} «هر یک از کشورهای عضو بایستی برای حفظ و استفاده پایدار از تنوع زیستی همکاری نمایند». ماده ۱۸ این کنوانسیون به همکاری‌های فنی و علمی میان اعضا اشاره دارد. همچنین مطابق ماده ۲۰ کنوانسیون مزبور «کشورهای توسعه یافته باید منابع مالی جدید و اضافی را فراهم نمایند تا کشورهای درحال توسعه بتوانند تمامی فرایندهای افزون بر موارد مورد توافق را در ارتباط با انجام اقدامات لازم، مطابق با تعهدات این کنوانسیون تأمین نمایند». در ماده ۴

دولت‌ها به دادن اطلاعات اختصاص داد و تعهد عمومی به همکاری، مبنای بسیاری از تعهدات دیگر از جمله تعهد به مبادله اطلاعات، آموزش، مشاوره، مذاکره و اطلاع رسانی شده است (Kiss & Shelton, 2007) و در نهایت اصل ۲۷ اعلامیه ریو مبتنی بر تعهد کلی و عمومی دولت‌ها در همکاری برای رسیدن به توسعه پایدار است. اصل ۲۴ اعلامیه استکهلم با همان مضمون مجدداً در منشور جهانی طبیعت ۱۹۸۲ مورد تأیید قرار گرفت، به نحوی که دولت‌ها باید در نگهداری طبیعت ضمن فعالیتهای مشترک و دیگر عملیات مناسب با یکدیگر همکاری کنند. این همکاری شامل تبادل اطلاعات و مشاوره خواهد بود و همینطور باید برای محصولات و فرایندهای صنعتی که ممکن است آثار زیانباری بر محیط زیست داشته باشند، استانداردهایی را تدوین کنند و نیز روش‌های همکاری مؤثر فراهم نمایند. اصل ۳۵ بیانیه ژوهانسبورگ ۲۰۰۲^{۱۱} نیز به این موضوع اشاره دارد که «ما متعهد به همکاری با یکدیگر هستیم تا با اتحادی برخاسته از تصمیمی مشترک برای نجات سیاره خود، توسعه انسانی را ارتقاء بخشیده و به صلح و سعادت جهانی دست یابیم» (Zarei et al., 2013). در کنفرانس ریو+۲۰، سند آینده‌ای که ما می‌خواهیم، به الزام دولت‌ها برای تحکیم همکاری بین‌المللی جهت شناسایی چالش‌های پیشروی توسعه پایدار در جهان به ویژه در کشورهای در حال توسعه و همکاری بین‌المللی در مسائل مالی، انتقال فناوری... اشاره دارد (Poorhashemi & Arghand, 2013). اصل همکاری مآخذ الزامات در بسیاری از معاهدات بعد از بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ نیز واقع شده است و در بسیاری از کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. بند اول ماده ۲ کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی ۱۹۷۹^{۱۲} چنین اشعار می‌دارد که «طرف‌های متعهد بایستی اقدامات لازم و مقتضی را جهت حفاظت از این قبیل گونه‌ها و زیستگاه‌های آنان، به صورت انفرادی و یا با همکاری دیگران ترتیب دهند». در ماده ۱۹۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای^{۱۳} تصریح شده است که «دولت‌ها به منظور حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی بر یک مبنای جهانی و عدالاقضاء منطقه‌ای، به طور مستقیم یا از طریق سازمان‌های صلاحیت‌دار بین‌المللی، برای وضع و تهیه قواعد، معیارها و روش‌ها و رویه‌های توصیه شده بین‌المللی منطبق بر این کنوانسیون، با در نظر گرفتن ویژگی‌های منطقه، همکاری

4. Vienna Convention for the Protection of the Ozone Layer, 1985.

5. The Basel Convention on the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and their Disposal Basel, 1989.

6. The United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC), 1992.

7. The International Convention on Oil Pollution Preparedness, Response and Cooperation (OPRC), 1990.

8. Energy Charter Treaty, 1990.

9. The European Energy Charter, 1991.

10. The Convention on Biological Diversity (CBD), 1992.

1. The Johannesburg Declaration on Sustainable Development, 2002.

2. Convention on the Conservation of Migratory Species of Wild Animals, 1979.

3. United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982.

قضیه کانال کورفو اعلام داشته است که دولت‌ها موظف هستند دول دیگر را از وجود خطرات احتمالی در سرزمینشان مطلع نمایند (Dabiri et al., 2009). بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون تغییرات آب و هوایی نیز مثال خوبی در این زمینه است «تمام کشورها باید به طور کامل، باز و آشکار در مبادله اطلاعات علمی، فنی، اقتصادی، اجتماعی و حقوق مربوطه ... همکاری کنند» و طبق بند ۴ همین کنوانسیون، کشورهای پیشرفته باید تمامی اقدامات لازم را برای ترغیب، تسهیل و تأمین اعتبار، انتقال یا دسترسی به آگاهی‌ها و فناوری کامل و معقول زیست‌محیطی به سایر اعضا، به ویژه به کشورهای در حال توسعه جهت ارتقای توان آنها انجام دهند (Kiss et al., 2005).

اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ جزء اولین اسنادی بود که تصریح کرد: «اصل حاکمیت بر منابع طبیعی باید در یک روش معتبر زیست‌محیطی اعمال شود». و به طور صریح در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم بیان شده است: «دولت‌ها طبق منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل دارای حق حاکمیت بهره‌برداری از منابع طبیعی خود مطابق سیاست‌های زیست‌محیطی خود می‌باشند» (Kiss and Shelton, 2007). لازم به ذکر است که اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم به طور کامل در ماده ۳ کنوانسیون تنوع‌زیستی ۱۹۹۲ و بند الف - اصل اول اصول جنگل‌ها ۱۹۹۲^۶ آمده است و سپس اصل ۲ اعلامیه ریو ۱۹۹۲، با تغییراتی مختصر اما مفید، این مطلب را تکرار می‌کند و عبارات «سیاست‌های زیست‌محیطی» و «سیاست‌های محیط زیست و توسعه» را اضافه می‌کند. این اصل در مقدمه کنوانسیون تغییرات آب و هوایی ۱۹۹۲ نیز گنجانده شده است. پس از ذکر اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل ۲ اعلامیه ریو به عنوان اسناد قابل استفاده در سطح بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری تعهد به این اصول را قسمتی از حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌داند (Momtaz, 1996).

اصل حاکمیت با مفهوم متفاوت در ماده ۲ کنوانسیون هلسینکی ۱۹۹۲ در مورد حفاظت از آبراه‌ها و دریاچه‌های بین‌المللی^۷، ماده ۵ کنوانسیون نیویورک ۱۹۹۷ راجع به حقوق بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی برای مقاصد غیر کشتی رانی^۸، بند

کنوانسیون بیابان زدایی^۱ تحت عنوان تعهدات عمومی، تأکید شده که اعضا بایستی همکاری بین کشورهای مبتلا به در زمینه‌های حمایت از محیط زیست و حفاظت منابع آب و خاک مربوط به بیابان‌زدایی و خشکسالی را توسعه دهند و نیز همکاری‌های زیر منطقه‌ای، منطقه‌ای و بین‌المللی را تقویت نمایند. این همکاری باید زمینه‌های انتقال فناوری و همچنین تحقیقات و توسعه علمی، جمع‌آوری و توزیع اطلاعات و منابع مالی را نیز تحت پوشش قرار دهد. (Zarei et al., 2013).

اصل ۲۰ بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ ضمن تأکید بر جریان آزادانه تازه‌ترین اطلاعات و انتقال تجربیات به منظور حل مسائل محیط زیست، به انتقال فنون زیست‌محیطی بدون تحمیل بار اقتصادی بر کشورهای در حال توسعه از سوی کشورهای پیشرفته اشاره دارد. به تبع این اصل در اصول ۱۸ و ۱۹ بیانیه ریو ۱۹۹۲ نیز به روشنی بیان‌گر اصل اطلاع‌رسانی است. این اصل همچنین در اسناد الزام‌آور بعدی همچون کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های گیاهان و جانوران وحشی در معرض خطر انقراض^۲ ۱۹۷۳، کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها، مارپل ۱۹۷۳^۳، کنوانسیون حمایت از گونه‌های وحشی مهاجر، ۱۹۷۹، کنوانسیون وین برای حفظ لایه ازن ۱۹۸۵، پروتکل مونترال درباره مواد کاهنده لایه ازن ۱۹۸۷^۴، کنوانسیون بازل، کنوانسیون ملل متحد درباره تغییرات آب و هوا، کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون مدیریت زیست‌محیطی آلاینده‌های آلی پایدار، استکهلم ۲۰۰۱، کنوانسیون آیین رضایت قبلی برای مواد شیمیایی و آفت‌کش‌های خطرناک خاص در تجارت بین‌المللی، روتردام ۲۰۰۳^۵ و ... اشاره کرد. باید متذکر شد که اصل اطلاع‌رسانی در ماده ۱۹۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز وارد گردیده و برطبق آن یک دولت بلافاصله پس از آگاهی از احتمال خطر قریب‌الوقوع یا ورود خسارت به محیط زیست دریایی، موضوع را به سایر دولتی که احتمال می‌دهد چنین خسارتی به آنها لطمه بزند، اطلاع خواهد داد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در

6. Conservation and Sustainable Development of All Types of Forests (1992),

7. The Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes, Helsinki, Convention. 1992.

8. The 1997 United Nations Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, 1997.

1. The United Nations Convention to Combat Desertification in Those Countries Experiencing Serious Drought and/or Desertification, Particularly in Africa (UNCCD), 1994.

2. The Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora, Washington, 1973.

3. The International Convention for the Prevention of Pollution from Ships, 1973.

4. The Montreal Protocol on Substances that Deplete the Ozone Layer, 1987.

5. The Rotterdam Convention on the Prior Informed Consent Procedure for Certain Hazardous Chemicals and Pesticides in International Trade, 2003.

می گوید: «انسان... مسئولیت خطیر حفظ و بهبود محیط زیست برای نسل حاضر و نسل های آینده را به عهده دارد». حفاظت از حقوق نسل های آینده یکی از مفاهیم اساسی در بسیاری از اسناد بین المللی بعدی در زمینه محیط زیست از جمله در اصل ۳ بیانیه ریو ۱۹۹۲ حقوق نسل های آینده بشر را که با حق توسعه مربوط می داند به طور جدی تأکید شد و به همین ترتیب این اصل در معاهدات گوناگون و دیگر اسناد بین المللی به ویژه در بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون تغییرات آب و هوا ۱۹۹۲ که اعلام می کند «اعضا باید سیستم آب و هوا را به نفع نسل های فعلی و آینده بشر بر مبنای تساوی و طبق مسئولیت های مشترک ولی متفاوت و قابلیت های خود مورد حمایت قرار دهند»، تکرار شده است (Kiss et al., 2005). همچنین کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون بیابان-زدایی و کنوانسیون استکهلم درباره آلاینده های آلی پایدار^۵ ۲۰۰۱ بر حفظ منافع نسل های آینده تأکید دارند (Poorhashemi & Arghand, 2013).

مفهوم مسئولیت های مشترک اما متفاوت برای اولین بار در مقدمه اعلامیه استکهلم آمده است. اعلامیه استکهلم در عین این که وضعیت جهان امروز را به طور خلاصه بیان کرده است، وظایفی متفاوت برای هر کدام از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته پیش بینی کرده است که با وجود متفاوت بودن به نتیجه واحد یعنی حفظ محیط زیست منتهی می شود و از آنجا که با در نظر گرفتن ملاحظات زیست محیطی در روند توسعه اشاره شده در واقع می توان گفت هدف نهایی اعلامیه استکهلم رساندن کشورهای شمال و کشورهای جنوب از دو راه متفاوت به توسعه پایدار است (Sadr, 2000). این مفهوم که از اصل تساوی حقوق و اصل انصاف در حقوق بین الملل نشأت گرفته، بر این اساس استوار است که اصل انصاف حکم می کند، دولت های توسعه یافته که بیشترین نقش را در آلوده سازی و تخریب محیط زیست داشته اند و از امکانات و توانایی های بیشتری نسبت به کشورهای در حال توسعه برخوردار هستند، در حفاظت از آن نیز مسئولیت سنگین تری به عهده بگیرند (Dabiri et al., 2009). به دلیل اهمیت مفهوم مسئولیت های مشترک اما متفاوت این مفهوم در اسناد بعدی نیز منعکس گردیده است. به عنوان مثال اصل ۷ اعلامیه ریو متذکر می گردد: «کشورها با نگاهی به سهم متفاوتشان در تخریب محیط زیست جهانی، مسئولیت مشترک ولی متفاوتی دارند. کشورهای توسعه یافته مسئولیتی را که در زمینه پیگیری بین المللی توسعه پایدار دارند، با توجه به فشارهای

۱۴ ماده ۴ پروتکل کنترل انتقالات برون مرزی مواد زائد خطرناک و دیگر ضایعات در دریا، تهران ۱۹۹۸^۱ و بند ۳ ماده ۲ پروتکل ایمنی زیستی کارتاها^۲ ۲۰۰۲ به نوعی به استفاده منطقی و معقولانه از سرزمین که بیان کننده اصل حاکمیت با مفهوم متفاوت است اشاره دارند و نقطه عطف این موضوع در قضیه گابسیکوو- ناگیماروس ۱۹۹۷ (اختلاف اسلوکی و مجارستان) دیده می شود که دیوان بر «اصل استفاده منطقی و معقولانه از منابع» تأکید دارد. اعلامیه دهلی نو، (۶ - ۲ آوریل ۲۰۰۲)^۳ نیز در پاراگراف دوم اصل اول، دولت ها را مکلف به مدیریت منابع طبیعی سرزمینی یا تحت قلمرو ملی به روش عاقلانه و پایدار البته با در نظر گرفتن توسعه ملت ها با توجه ویژه بر حقوق مردم بومی و حفاظت و استفاده پایدار از منابع طبیعی و حمایت از محیط زیست از جمله اکوسیستم ها، می داند (Dehli Dec., 2002). با این تفاسیل با استفاده از اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل ۲ اعلامیه ریو که ریشه عرفی دارد (Kiss et al., 2005)، می توان کشورها را به سوی قبول تعهد کلی حفاظت از محیط زیست و در نهایت اعمال توسعه پایدار هدایت کرد.

اصل ۶ و ۷ بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ در خصوص اصل جلوگیری به لزوم توقف ورود آلودگی بالاتر از حد مجاز به محیط زیست پرداخته است که به تبع آن، اصل نوزدهم منشور جهانی طبیعت ۱۹۸۲، و اصل هفدهم اعلامیه ریو ۱۹۹۲ به آن اشاره دارند. اصل جلوگیری در کنوانسیون بین المللی جلوگیری از آلودگی دریاها ناشی از کشتی ها، مارپل ۱۹۷۸ و کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲، تصریح گردیده است. دیوان بین المللی دادگستری هم در رأی اخیر خود در سال ۲۰۱۰ در قضیه کارخانه های خمیر کاغذ بین آرژانتین و اروگوئه^۴ بر عرفی بودن اصل پیشگیری صحه گذاشت در حالی که در مورد اصل احتیاطی به سبب مشکلات مربوط به ماهیت و تعریف این اصل همچنان از شناسایی آن به عنوان یک قاعده عرفی خودداری می کند.

در حقوق بین الملل محیط زیست، حقوق نسل های آتی بشر برای برخورداری از شرایط مناسب زندگی بر روی کره زمین نیز مورد توجه و شناسایی قرار گرفته است. اعلامیه استکهلم که نخستین پایه گذار این مفهوم تلقی می شود، در اصل اول خود

1. Protocol on the Control of Marine Transboundary Movements and Disposal of Hazardous Wastes and Other Wastes, tehran, 1998
2. The Cartagena Protocol on Biosafety to the Convention on Biological Diversity, Nairobi, 2000
3. The Delhi Declaration, 2002
4. Arrêt de la CIJ, 2010, para. 101

5. Stockholm Convention on Persistent Organic Pollutants is an international environmental treaty, 2001

زیست محیطی به ویژه در مورد منابع طبیعی باعث شد تدابیری جهت حفظ آن، که میراث نسل های حاضر و آینده است. اندیشیده شود. لذا ۱۰ سال بعد، دومین سند مهم بین المللی غیر الزام آور تحت عنوان «منشور جهانی طبیعت» در زمینه ی حمایت از محیط زیست، در یک مقدمه و ۲۴ ماده و به موجب قطعنامه ی شماره ی ۳۲۸۱ در ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. منشور جهانی طبیعت، اصل لازم و ضروری بهبود و تقسیم سیستم حیات را برای رفع نیازهای زیستی و تنوع ارگانیسم حیاتی بیان می کند. در نتیجه، اصولی از منشور اظهار می-تد که از طبیعت باید حفاظت شود و توسعه اقتصادی، اجتماعی باید متضمن حفاظت از طبیعت بوده و با اتلاف منابع طبیعی مبارزه شود و نیز مقررات اجرایی باید در راستای این مفاهیم، به طور کامل جهت حفاظت از طبیعت به کار گرفته شود. بیست سال پس از کنفرانس استکهلم، سازمان ملل در راستای رفع نارسایی ها و کمبودهای موجود و با توجه به مشکلات و شرایط جدید، کنفرانسی را تحت عنوان «کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه» از سوم تا چهاردهم ژوئن ۱۹۹۲ در شهر «ریودوژانیرو» پایتخت برزیل برگزار کرد که موضوع آن محیط زیست و توسعه دو معضل موجود در برابر انسان بود. سند این کنفرانس در حقیقت تأکیدی مجدد بر اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم است و در صدد است راه میانه‌ای از طرق گوناگون برگزیند. همچنین این اعلامیه به موضوع «توسعه پایدار» پرداخته است، بدین معنی که توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست را با هم مورد توجه قرار می‌دهد. کنفرانس نیویورک، ۵ سال پس از کنفرانس ریو تحت عنوان «کنفرانس زمین + ۵» در ژوئن ۱۹۹۷ در نیویورک برگزار گردید، هدف این کنفرانس بررسی پیشرفت کار کنفرانس ۱۹۹۲ ریو در خصوص محیط زیست و توسعه بود. پس از گذشت ۱۰ سال از کنفرانس ریو، کنفرانس ۲۰۰۲ ژوهانسبورگ با عنوان «سران توسعه پایدار» در آفریقای جنوبی برگزار شد. این اجلاس با هدف بررسی و ارزیابی اجرای دستور کار ۲۱ برگزار شد. در این اجلاس راه‌های مبارزه با فقر، تخریب محیط زیست، مقابله با رشد بی رویه جمعیت و... مورد بررسی قرار گرفت و در پایان نیز سندی جهت اجرایی کردن تصمیمات متخذه به تصویب رسید و در نهایت برگزاری کنفرانس ریو+۲۰ در برزیل ضمن تأکید بر تعهدات پذیرفته شده در کنفرانس ریو، می‌کوشد نوع جدیدی از تعاملات را مطرح کند که در آن کسب و کار، دولت‌ها و جامعه مدنی رؤس اصلی برنامه‌های دستیابی به جهانی پایدارتر هستند (Poorhashemi & Arghand, 2013). در خصوص نفوذ بیانیه استکهلم در اسناد الزام آور نیز در بخش توسعه و نهادینه شدن اصول و مفاهیم حقوق بین الملل محیط زیست به تفصیل ذکر شده است.

ج) توسعه نهاد ها و حاکمیت جهانی

با توجه به این که بین المللی کردن حفاظت محیط زیست بر

جوامع خویش بر محیط زیست جهانی و فناوری‌ها و منابع خود بر عهده گرفته‌اند» اصل پانزدهم بیانیه ریو+۲۰ نیز به مفهوم مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها اشاره دارد. هر چند مفهوم مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت در تمام اسناد کنفرانس بین-المللی محیط زیست و توسعه بیان شده است، اما به نظر می‌آید ترتیبات لحاظ شده در کنوانسیون تغییرات آب و هوایی دقیق‌تر و مفصل‌تر باشد. کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، میان تعهدات عمومی مربوط به تمام متعهدین و تعهدات خاص که فقط مخصوص کشورهای پیشرفته است، تفاوت قایل شده است (Sands, 1995). از اسناد الزام آور دیگر در این موضوع می‌توان به کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون بیابان زدایی، کنوانسیون استکهلم درباره آلاینده‌های آلی پایدار اشاره کرد که در همگی به توانایی‌های متفاوت کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته اشاره شده است و مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت این دو گروه کشورها را مورد تأکید قرار داده است.

بیانیه استکهلم ۱۹۷۲، مرحله مقدماتی برقرار ساختن رابطه بین حفاظت از محیط زیست و توسعه به عنوان مفهوم مرکزی توسعه پایدار بود که با تصویب گزارش کمیسیون برانت لندن ۱۹۸۷ توسط مجمع عمومی، مفهوم توسعه پایدار رسماً وارد ادبیات حقوق بین الملل شد و در ادامه بیانیه ریو ۱۹۹۲، ضمن تأکید بر بیانیه استکهلم در مقام عام به موضوع توسعه پایدار پرداخت و کنفرانس ریو+۲۰ تجدید تعهدات نسبت به توسعه پایدار و اطمینان از ارتقای پایدار اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی کره خاکی، برای نسل‌های آینده و آتی می‌باشد. این مفهوم به صورت الزام‌آور در کنوانسیون ملل متحد درباره تغییرات آب و هوا، کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون بیابان زدایی و پروتکل کیوتو ۱۹۹۷ گنجانده شده است. همان گونه که مشاهده شد ضمن تبلور اصول و مفاهیم متعددی در بیانیه استکهلم، باعث بروز و نهادینه شدن آن در اسناد و رویه‌های بین-المللی بعدی شده است.

ب) شکل‌گیری کنفرانس‌ها و اسناد زیست محیطی

این بیانیه، نقطه عطفی در زمینه توسعه سیاست‌های بین‌المللی و تصویب اسناد الزام‌آور و غیر الزام‌آور زیست محیطی و برگزاری کنفرانس‌های مرتبط بود. برخی از اصول وضع شده در این بیانیه و برنامه‌های ایجاد شده توسط آن اثرات جاویدانی برجای نهادند، علاوه بر این، موضوعات مطرح شده در این کنفرانس و توافقات حاصل از آن سنگ‌بنای سیاست‌های بین‌المللی زیست محیطی برای حداقل ۲۰ سال آینده شد (Firouz, 2005). گسترش آلودگی‌ها و معضلات

1.Brandt land

2.The Kyoto Protocol, 1997.

ترین ابزارها در تحقق توسعه انسانی مورد توجه قرار گرفت. تا از این طریق انسان‌ها به عنوان محورهای توسعه بتوانند ضمن کسب توانمندی‌های جدید به ایفای نقشی فعال و تأثیرگذار در توسعه بپردازند (Mahmodi, 2005).

اولین گام‌ها در جهت شناسایی آموزش محیط‌زیست در سطح بین‌المللی برداشته شد و به تدریج در نظام‌های داخلی مقرراتی در این راستا تدوین گردید. کنفرانس استکهلم اولین تلاش جمعی ۱۱۳ کشور جهان برای تأکید بر نقش آموزش و آگاه کردن مردم نسبت به مسایل محیط‌زیستی بود. اعلامیه و توصیه نامه شماره ۶۹ کنفرانس به طور رسمی و صریح بر اهمیت آموزش محیط‌زیست صحنه گذاشت (Ramazani, 2012). اصل نوزدهم اعلامیه استکهلم مقرر می‌دارد «به منظور توسعه مبانی ضروری برای تنویر افکار عمومی و تفهیم مسئولیتی که افراد، مؤسسات و جمعیت‌ها در خصوص حفاظت محیط‌زیست در تمام ابعاد انسانی آن برعهده دارند، لازم است نسل جوان و نیز بزرگسالان با بذل توجه کافی نسبت به انسان‌هایی که در وضعیت نامساعدتری قرار دارند، تحت آموزش قرار گیرند. همچنین لازم است که وسایل ارتباط جمعی از کمک به تنزل کیفیت محیط‌زیست اجتناب نموده و به عکس به منظور فراهم نمودن امکان توسعه انسان در تمام زمینه‌ها، اطلاعات آموزشی در مورد ضرورت حفاظت و بهبود محیط‌زیست را ارائه دهند» (Stockholm Dec., Pri. 19). پس از آن اولین کارگاه بین-المللی آموزش محیط‌زیست در سال ۱۹۷۵ در بلگراد یوگسلاوی زیر نظر یونسکو برگزار شد که اصول راهنمای آموزش به شرح زیر در آن پیشنهاد گردید:

۱. باید به محیط‌زیست به عنوان مجموعه‌ای واحد نگریست و مرزهای سیاسی، فرهنگی و فیزیکی را ندیده انگاشت زیرا هر بخش آن بر بخش‌های دیگر اثر گذار است.
۲. آموزش محیط‌زیست باید فرایندی در تمامی مراحل زندگی باشد (هم در مدرسه و هم در خارج از مدرسه).
۳. برنامه‌های آموزش محیط‌زیست باید در اخلاق فردی زمینه‌ای را فراهم آورد که او را تشویق به انجام اقداماتی از جمله: تلاش برای توسعه و بهره‌برداری از منابع طبیعی بدون تخریب و آلودگی آن، تلاش در جهت بهبود کیفیت زندگی هر فرد از طریق کاهش فقر، گرسنگی، بی‌سوادی، استثمار و سلطه جویی، نپذیرفتن توسعه و رشد اقتصادی ملی به بهای اضمحلال و تحقیر ملت‌های دیگر و ... نماید.
۴. آموزش محیط‌زیست باید با در نظر گرفتن مناسب‌ترین موقعیت‌ها و موضوعات زیست‌محیطی محلی، شروع و به طرف موضوعات و موقعیت‌هایی با گستردگی ملی، منطقه‌ای و جهانی پیش رود.

اصل نهادسازی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست معاصر مبتنی شده است (Poorhashemi, 2016). نفوذ بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ در این خصوص از لحاظ توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در زمینه شکلی و سازمانی چشمگیر بوده است. امروزه هزاران نهاد، اعم از جهانی و منطقه‌ای، وابسته و غیر وابسته به سازمان ملل، دولتی و غیردولتی در زمینه محیط‌زیست فعالیت دارند که با نهادینه شدن موضوع حمایت و حفاظت از محیط‌زیست، تدوین و توسعه مقررات زیست‌محیطی و مکانیزم‌های حفظ محیط‌زیست از طریق این نهادها صورت می‌گیرد. از مهم‌ترین نتیجه ساختاری و شکلی بیانیه استکهلم تشکیل سازمان برنامه محیط‌زیست ملل متحد (یونپ) و صندوق جهانی محیط‌زیست و کمیسیون توسعه پایدار است که باعث همسو نمودن دیدگاه‌ها و همکاری‌های زیست‌محیطی در سطح بین‌المللی شده است. همچنین در بسیاری از کنوانسیون‌های شکل گرفته بعد از این بیانیه، مثل کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوری و گیاهی در معرض خطر انقراض، واشنگتن ۱۹۷۳ و کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲، برای اجرای اهداف خود، دارای سازمان و یا ساختار اجرایی هستند (Dupuy, 1991). با این وجود توسعه ساختاری حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با چالش و رقابت بین-المللی میان دولت‌ها بخصوص میان دولت‌های توسعه یافته و در حال توسعه مواجه گردیده است. بعنوان مثال برنامه محیط‌زیست ملل متحد، گرچه نهادی وابسته به سازمان ملل است که فعالیت‌های زیست‌محیطی اعضای خود را کنترل می‌کند ولی همچنان به عنوان یک برنامه فعالیت می‌کند و برای تبدیل شدن به سازمان جهانی محیط‌زیست که دارای اختیارات جهانی و کامل-تری باشد با محدودیت‌های روبرو است.

د) ورود حقوق محیط‌زیست در حقوق داخلی کشورها

ورود، تدوین و تصویب اولین مقررات حفاظت از محیط‌زیست در حقوق داخلی بسیاری از کشورها همزمان با برگزاری کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ بوده است. به عنوان مثال اولین مقررات حفاظت از محیط‌زیست در ایران در اوایل دهه ۵۰ و همزمان با بیانیه کنفرانس استکهلم تدوین و تصویب شد.

بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ و آموزش حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

با توجه به اهمیت انسان به عنوان هدف توسعه از یکسو و محیط‌زیست به عنوان بستر فعالیت انسانی از سوی دیگر، حق داشتن محیط‌زیستی سالم برای نسل فعلی و آینده مطرح شد و در چنین فضایی بود که نقش آموزش به عنوان یکی از کلیدی

محیط زیست و تقویت نظام‌های آموزشی رسمی و غیررسمی در تمامی سطوح اجتماعی خصوصاً در سطوح آموزش ابتدایی و متوسطه ضمن ایجاد رغبت و انگیزه‌های داوطلبانه برای حفاظت از آن، می‌تواند مسئله تخریب و آلودگی محیط زیست را یکبار و برای همیشه حل کند. اگر افراد در درون خود وظیفه‌ای اخلاقی و وجدانی برای حفظ محیط زیست را احساس نمایند و محیط زیست را به مثابه یکی از دارایی‌های شخصی خود تلقی کنند، ضمن فراهم شدن مقدمات اولیه مشارکت آنها در برنامه‌های زیست محیطی، پاسداری از آن را نه تنها لازم بلکه جزئی جدایی ناپذیر از زندگی خود خواهند دانست.

آموزش‌های زیست محیطی در مقاطع تحصیلی مختلف می‌تواند نقش مهمی در بسیج افکار عمومی و آمادگی آنها جهت حفاظت از محیط‌زیست بازی کند. آگاهی افراد نسبت به حقوق نسل‌های فعلی و آینده، مفهوم «میراث مشترک بشریت» و «اصل اطلاع رسانی» موجب حساسیت آنها و سبب انسجام و افزایش مسئولیت‌پذیری در قبال ایجاد محیط زیست بهتر می‌شود. در پرتو آگاهی‌های زیست محیطی می‌توان امیدوار بود که اصل پیشگیری زیست محیطی بهتر بتواند به اجرا درآید. اصل پیشگیری حکم می‌کند تا اشخاص اقدامات و تدابیر پیشگیرانه‌ای جهت پرهیز و کاهش خسارات وارد به محیط زیست را اتخاذ کنند. به طور کلی در اصل پیشگیری، یقین و قطعیت علمی وجود دارد در حالیکه برعکس در اصل احتیاط زیست محیطی چنین یقینی وجود ندارد (Plaud, 2010) با این تفاسیل لازمه پیشگیری، آگاهی از خطرهای پیش رو است و ایجاد آگاهی جز با آموزش هدفمند میسر نمی‌گردد. بنابراین آموزش‌های زیست محیطی با ایجاد آگاهی در میان اقشار جامعه می‌تواند از میزان قدرت تخریب‌گری و یا بی تفاوتی آن نسبت به محیط زیست کاسته و تک تک افراد جامعه را به عنصری برای پیشگیری از تخریب بدل نماید، لذا این موضوع بدهی به نظر می‌رسد که آموزش به منزله نخستین سنگ بنای اصل طلایی پیشگیری در حقوق بین‌الملل محیط زیست مطرح است. به موازات آشکار شدن اهمیت آموزش محیط زیست موضوع در دستور کار سازمان‌های بین‌المللی علاقه‌مند به مسائل آموزشی و زیست محیطی قرار گرفت. این سازمان‌ها در چارچوب اشتغالات خود اسنادی را تدوین کردند که در آنها به نقش حفاظتی آموزش محیط‌زیست اختصاص دارد. علاوه بر سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها نیز در مقررات ملی خود اقدام به تقنین مقرراتی در باب آموزش محیط زیست کردند (Ramazani, 2012). با این وجود نگاهی واقع بینانه به اجلاس ژوهانسبورگ بیانگر این واقعیت است که اقدامات صورت گرفته در زمینه‌های آموزش و مشارکت در عرصه محیط زیست

بدین وسیله جامعه بین‌المللی تلاش کرد تا خطوط اصلی و راهبردی آموزش در حوزه محیط زیست را ترسیم نماید و دولت‌ها به انجام برنامه‌های آموزشی به مخاطبین اجتماعی در این حوزه ترغیب و تشویق شدند. در سال ۱۹۹۲ پس از برگزاری کنفرانس «محیط زیست و توسعه» در برزیل و تدوین دستور کار ۲۱ بر ضرورت ایجاد و تداوم یک نهضت آموزشی با هدف تغییر رفتار و اصلاح بینش عمومی نسبت به محیط زیست جهت نیل به توسعه پایدار شکل گرفت و گام مهمی در جهت بسترسازی آموزش محیط زیست برداشته شد. این سند، آموزش را در سه زمینه تغییر جهت آموزش و پرورش به سمت توسعه پایدار، افزایش آگاهی عمومی و بهسازی آموزش حرفه‌ای مورد توجه قرار می‌دهد (Agenda21, Chapitre6, para2).

در نوزدهمین اجلاس فوق العاده مجمع عمومی که در سال ۱۹۹۷ برگزار شد، بار دیگر بر اهمیت آموزش در حفاظت از محیط زیست و اجرای دستور کار ۲۱ تأکید شد. قطعنامه مصوب آن اجلاس مقرر داشت که: «آموزش یکی از عوامل آسایش است و نقش تعیین کننده‌ای در تحقق توسعه پایدار دارد. برای تحقق توسعه پایدار باید نظام‌های آموزشی در تمامی سطوح خصوصاً در سطوح ابتدایی و متوسطه از حیث مالی تقویت و کارآمد شوند. امکان دسترسی همگان به این سطوح داده شود تا بتوانند توانایی‌های خود را توسعه و شکوفا کنند»^۱ لذا آموزش بستر اصلی حفاظت از محیط زیست به‌شمار می‌آید و نقش آموزش محیط‌زیست از حیث ایجاد باور زیست محیطی و بسترسازی فرهنگی در راستای تحقق اصل پیشگیری به عنوان اصل طلایی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بسیار پررنگ است زیرا ایجاد آگاهی در میان توده‌های مردم باعث تغییر نگاه ایشان نسبت به محیط زیست و بهبود رابطه آنها با محیط‌زیست می‌گردد. بیانیه استکهلم در این خصوص اشاره دارد بسیاری از مسائل محیط زیست، در کشورهای در حال توسعه از کمی توسعه، رشد طبیعی جمعیت و جهل و بی‌مبالاتی (Stockholm Dec., para.4-5-6) ناشی می‌شود و بخشی از این تخریب و آلودگی‌ها ناشی از عدم آگاهی و اطلاع عموم نسبت به مسائل زیست محیطی است. لذا «آموزش نقش حیاتی در پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط بازی می‌کند، و می‌توانیم با استفاده از دانشی بیشتر و انجام اعمال عاقلانه‌تر در محیطی که با احتیاجات و امیدهای بشری انطباق دارد زندگی بهتری برای خود و اعقابمان فراهم آوریم. بی شک آشنا ساختن افراد در سطوح مختلف اجتماعی با اصول حفاظت از

1.Assemblée Générale des Nations Unies23-28

منابع غیرالزام آور را به منابع الزام آور ترجیح می دهند و منابع غیر الزام آور باعث گردهم آمدن دولت ها شده تا به تدریج در خصوص منابع الزام آور به توافق نهایی برسند. و به جرأت می توان ادعا کرد که بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ به عنوان اولین سند غیرالزام آور در حوزه محیط زیست، شروع به کارگیری رهیافت های زیست محیطی در سطح جهانی و سنگ بنای بسیاری از کنفرانس ها، کنوانسیون ها و اسناد غیرالزام آور و الزام آور لاحق بوده است و از چندین اصل بیانیه استکهلم در طی سنوات بعدی قاعده های حقوقی مهمی پدید آمده است.

بیانیه این کنفرانس برای اولین بار توانست با صراحت تمام بین محیط زیست و حقوق بشر پیوند و ارتباط ناگسستنی ایجاد کند. در بیانیه نهایی کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ اصول و مفاهیم مهمی از جمله: اصل استفاده غیر زیان بار از سرزمین، اصل تعهد به همکاری، اطلاع رسانی و کمک در مواقع اضطراری، اصل مسئولیت انسان در بهبود محیط زیست، اصل حاکمیت با مفهوم متفاوت، مفهوم مسئولیت های مشترک اما متفاوت، مفهوم توسعه پایدار و مفهوم حقوق نسل های آینده در رابطه با حقوق محیط زیست و حفاظت از آن مطرح شد. اصول این بیانیه با تشکیل کنفرانس ریو و ژوهانسبورگ و دیگر نشست های جهانی مرتبط با مسائل محیط زیست به طور جدی تری در دستور کار مجامع جهانی وارد شد که در حال حاضر نیز در بسیاری از بیانیه ها، قطعنامه ها، کنوانسیون ها و معاهدات چند جانبه و دو جانبه منطقه ای و بین المللی به طرق مختلف لحاظ گردیده است.

بیانیه پایانی این کنفرانس با اعلام حق انسان به داشتن محیط زیست سالم، پیوند بنیادینی بین حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر ایجاد نمود و سرآغاز تحولی جدید در حقوق بین الملل شد. کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ به عنوان اولین نقطه عطف در فرایند تدوین، آموزش و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست با به رسمیت شناختن حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر، ارتباط تنگاتنگ توسعه با محیط زیست را مورد توجه قرارداد و با پیشنهاد تشکیل نهادهای بین المللی، همچون برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ) و صندوق محیط زیست به روند همکاری های جهانی در زمینه محیط زیست انسجام بخشید و راه را برای توسعه و تکامل بیشتر قواعد حقوق بین الملل محیط زیست فراهم آورد. همچنین با ایجاد زمینه حضور سازمان های غیردولتی در کنفرانس ها و پذیرش آنها به عنوان ناظر در کنوانسیون های بین المللی، نقش سازمان های غیردولتی را به عنوان بازیگر در روابط بین الملل پررنگ تر نمود، هرچند این سازمان ها در سایر شاخه های حقوق بین الملل از قبیل حقوق بین الملل اقتصادی، حقوق بین المللی کیفری و ... نقش

کافی نبوده و یا از انسجام و پایداری لازم برخوردار نمی باشد. از این رو با توجه به فراگیر بودن بحث آموزش برای همه اقشار و لزوم داشتن اطلاعات کافی از موضوعات مرتبط با محیط زیست نیاز است تا گام هایی منسجم در این زمینه برداشته شود. از اینرو توجه به بحث آموزش محیط زیست و به ویژه روش های نوین آموزش و انتقال اطلاعات در مراکز آموزشی از یک سو و آشنایی با روش های ترویج این دانش در سطح محلی و ملی برای آگاهی مردم از سوی دیگر اهمیت اساسی دارد. در این راستا توجه به آموزش و ترویج محیط زیست در سطوح مختلف آموزشی و تلفیق هدفمند و نظام مند موضوعات محیط زیستی در دروس مقاطع و پایه های مختلف آموزش تحصیلی و همچنین در رشته های مختلف آموزش عالی به نحوی که آموزه های دانش آموزان و دانشجویان در بروز رفتار و تصمیم گیری سازگار با محیط زیست مؤثر واقع شوند به عنوان یک نقطه شروع می تواند ضمن اینکه در پرکردن این خلاء مفید واقع شود، قادر است افرادی را با تخصص ها و مهارت های لازم برای اشاعه دانش و اطلاعات مربوط به محیط زیست و بحران های پیشرو تربیت نماید. همچنین آموزش غیررسمی محیط زیست شامل آموزش مستقیم و غیر مستقیم گروه های مختلف اجتماعی در خارج از نظام آموزش رسمی (کارمندان، کارگران، مدیران دولتی و غیردولتی و نظایر آنها) به نحوی که با گذشت زمان رویکرد، رفتار و تصمیم گیری آنها با حفاظت از محیط زیست سازگاری بیشتری یابد، می تواند جامعه بین المللی را در نهادینه نمودن حقوق زیست محیطی یاری رساند.

بحث و نتیجه گیری

حقوق بین الملل محیط زیست بر اساس اصول کلی حقوقی که در بیانیه ها و اعلامیه ها مورد پذیرش قرار گرفته است، بنا شده است و با بهره گیری از تکنیک حقوقی کنوانسیون _ پروتکل به طور جزئی، دقیق و مشخص نسبت به حفاظت محیط زیست منطقه ای یا بخشی خاص تنظیم می شود. با وجود اینکه در حقوق، تکیه بر منابع الزام آور است و منابع الزام آور به حقوق ضمانت اجرا می بخشند. اما در حقوق بین الملل محیط زیست نقش منابع غیرالزام آور از منابع الزام آور بیشتر است و نفوذ بیشتری دارد. و در این پژوهش مشخص گردید منابع غیرالزام آور بر منابع الزام آور تأثیر گذار بوده است، به این دلیل که محیط زیست حاکمیت دولت ها را تحت تأثیر قرار می دهد لیکن دولت ها حاضر به محدود کردن حاکمیت خود نبوده و مایل نیستند برای خود مسئولیت جدیدی ایجاد کنند از طرفی دیگر حفاظت از محیط زیست هزینه بر است و هزینه های بلند مدت و مستمر دارد به همین دلایل دولت ها

نهادینه سازی آموزش در تمام مقاطع اجتماعی، خصوصاً مقاطع تحصیلی در مورد مسائل زیست محیطی به نفع عموم جامعه بشریت مورد تأکید قرار می‌دهد و به طور رسمی و صریح بر اهمیت آموزش محیط زیست صحنه می‌گذارد و به منظور دسترسی به عدالت در امور زیست محیطی و در راستای توسعه بیشتر حقوق بین الملل، دولت‌ها را به همکاری درباره مسئولیت و یا جبران خسارات قربانیان آلودگی و سایر آسیب‌های زیست محیطی، ناشی از فعالیت داخل محدوده قانونی و یا مناطق تحت کنترل خود، در نواحی ماوراء قلمروشان توصیه می‌کند. در مجموع از مهم‌ترین ابعاد نفوذ این بیانیه غیر الزام‌آور در حقوق بین الملل محیط زیست می‌توان به تسریع در ایجاد قواعد عمومی و اصول حقوقی و توسعه ساختاری در حقوق بین الملل محیط زیست و کمک به تکامل، آموزش، توسعه و نهادینه شدن این رشته اشاره کرد. این بیانیه توانست برخی از اصول عرفی پراکنده را در یک متن حقوقی غیر الزام‌آور جمع‌آوری نماید و با بروز و نهادینه کردن آن در اسناد الزام‌آور بعدی و توسعه شکلی و ساختاری، ضمانت اجرای آن را فراهم آورد.

References

- Aghaei, B. (1996). "International Law of the Sea and Iran", Tehran, Ganjedanesh Publications, The First Edition, [In Persian].
- Alan, E. B., Michael, R. A. (1998). "Human Rights Approaches to Environmental Protection", Oxford, Clarendon Press. ISBN: 9780198267898.
- Bor, B., Ross, R., Donald, R. (1998). "International Environmental Law in the Asia Pacific", London, Kluwer Law International, ISBN, 9041107061, 9789041107060.
- Chinkin, C. M. (1989). "The Challenge of Soft Law: Development and Change in International Law", *International and Comparative Law, Quarterly*, Cambridge University Press, 38(04), 850-866.
- Dabiri, F., Poorhashemi, S.A., Roosta, F. (2009). "The principles and concepts of international environmental law with a view to sustainable development", *Environmental Science and Technology*, Science and Research Branch of Islamic Azad University, 11(3), 227-236, [In Persian].
- Dupuy, P. M. (1991). "Soft Law and the Inter-

آفرین بوده‌اند، اما نقش و جایگاه این گروه‌ها در حقوق بین الملل محیط زیست برجسته و مهم‌تر به شمار می‌آید و با توجه به ویژگی‌های حقوق نرم و مسئولیت نرم، بازیگران نرم نیز در حقوق بین الملل محیط زیست در حال شکل‌گیری و گسترش است و دولت‌ها به معنای سنتی و کلاسیک آن با اینکه همواره به عنوان بازیگر مهم نقش خود را در شکل‌گیری و اجرای حقوق بین الملل محیط زیست حفظ نموده‌اند، دیگر تنها بازیگر حوزه بین الملل به شمار نمی‌آیند و سازمان‌های غیردولتی رفته رفته توانسته‌اند در شکل‌گیری، تدوین، اجراء و نظارت بر حقوق محیط زیست نقش مؤثری ایفاء کنند.

اعلامیه استکهلم روش‌های حفاظت از محیط زیست و ارتباط آن با توسعه اقتصادی و اجتماعی را مورد شناسایی قرار می‌دهد و بهترین وسیله برای اصلاح عدم توسعه یافتگی، افزایش کمک‌های مالی و فنی به کشورهای فقیرتر و همکاری در آموزش و اطلاع رسانی می‌داند. این اعلامیه ضرورت برنامه‌ریزی توسعه یکپارچه، هماهنگ و منطقی برای حل هرگونه تعارض بین نیازهای توسعه و نیازهای حفاظت و بهبود محیط زیست و ابزارهای موثر در سیاست‌های زیست محیطی همچون توسل به علم و فناوری، تبادل و جریان آزادانه اطلاعات و انتقال تجارب و

- national Law of the Environment", *Michigan Journal of International Law*, University of Michigan School of Law, 12 (2), 420 ° 435.
- Firouz, M. (2005). "Right on the Environment", Tehran, Iranian Students Booking Agency, The First Edition, [In Persian].
- Gormley, W. Paul. (1998). "The Right to a Safe and Decent Environment", *INDIAN Journal of International Law*, Official Organ of the Indian Society, 28(1), 1-35.
- Jalalian, A. (2016). "International Environmental law", (Researches), Tehran, Danshgostr Publication, The First Edition [In Persian].
- Jalalian, A., Najafi Asfad, D. (2012). "The necessity of establishing international environmental court for criminal and civil protection of the environment against damage in the 22-day war on Gaza", *Journal of rahbord*, The Center for Strategic Reserch, 63(21), 205-241. [In Persian].
- Kiss, A., Peter H. S., Long, V. (2002). "Environmental law", Translated by Mohammad Hassan Habibi, Tehran, Tehran University Publications, Volume I, The first Edition.

- Kiss, A., Peter H. S., Long, V. (2005). "Environmental law", Translated by Mohammad Hassan Habibi, Tehran, Tehran University Publications, Volume I, The Second Edition.
- Kiss, A. and Shelton, D.t. (1994). "International Law" . United states of America, Martinus nijhoff publishers. The first Edition.
- Kiss, A. and Shelton, D.t, (2007). "Guide to International Environmental Law", United states of America, Martinus nijhoff publishers. ISBN13: 978-1-57105-344-2.
- Klabbers, J. (1998). "The undesirability of soft law" *Nordic Journal of International Law*, Brill | Nijhoff, 67(4), 381-391.
- Lotfi, H., Nami, M. H., Hassanpoor, J., Bahrayy, H. (2011). "Environmental security and national security policy", *Quarterly Journal of Human Geography*, Islamic Azad University ,Garmsar beranch, 3(4),121-144. [In Persian].
- Mahmodi, H., Veisi, H. (2005). " An Environmental Extension and Education Approach to Primary Environmental Care" *Environmental Sciences*, Shahid Beheshti University , Summer , 8, 57-64. [In Persian].
- Molaei, A. (2009). "The principles of Environmentally sustainable development in the constitution of the Islamic Republic of Iran", Tehran, Environmental law (theory and practice), Khorsandi publications, The First Edition. [In Persian].
- Momtaz , J .(1996). "The united Nations and The Environment Frome Stockholm to Riodejaneiro" , *Political Geography* , Elsevier Science Ltd / Kidlington, UK, 15 (3/4) , 261- 271.
- Morth, U. (2004). "Soft Law in Governance and Regulation", Stockholm, Edward Elgar Publication, the First Edition. ISBN: 978 1 84376 571 4.
- Mousavi, S. F.(2006). "Evolution of international environmental law", Tehran, Danesh Publication, The First Edition [In Persian].
- Pathak, R.S.(1992). "The human rights system as a conceptual framework for environmental law, in Environmental Change and International Law: New Challenges and Dimensions", Edith by Brown Weiss, Tokyo, Japan, United Nations University Press.
- Patricia, W. B. and Alan E. B. (1996). "Basic Documents on International Law and The Environment", Oxford, Clarendon Press, Sixth Edition.
- Peter, H. S. (2012)."The evolution of transnational environmental law: four cases in historical perspective", *Transnational Environmental Law*, Cambridge University Press, 1(1), 183° 198.
- Peter, H. S. (2015). "The History and Origin of International Environmental Law",Ludwig-Maximilians University, Munich, Germany.
- Plaud, S. (2010). "Principe de précaution et Progrès Scientifique", *Ethics and Economics*, Université Paris-Descartes, 7(2).2-11.
- Poorhashemi, S. A. , Arghand, B. (2013). "International Environmental Law", Tehran, Dadgostar Publication, The First Edition. [In Persian].
- Poorhashemi, S. A. ,Khalatbary, A. ,Zarei, S. (2014). "Environmental Geology of international law", the second National Conference on Sustainable Agriculture and Natural Resources. [In Persian].
- Poorhashemi, S. A. , parandah, A. (2016). " Development of International Environmental Law: Opportunities and Challenges",*The Quarterly journal of private and criminal law research*, Science and Research Branch of Islamic Azad University, 27(17), 79-95.[In Persian].
- Ramezani Ghavamabadi, M.H. (2007). "A non-load at the original use of the land in international environmental law", *Journal of Environmental Science*, Institute of Environmental Sciences, Shahid Beheshti University, 4(4), 57-73.[In Persian].
- Ramezani Ghavamabadi, M. H. (2012). " Strategic Review of Environmental Education in Iran, Essentials and bottlenecks", *Journal of rahbord*, The Center for Strategic Reserch, 21(65), 233-257.[In Persian].
- Rio Declaration on Environment and Development, (1992).in Report of the United Nations Conference on Environment and De-

- velopment, UN Doc. A/CONF. 151/26 (Vol. D), Annex I.
- Sadr, S. (2000). "The concept of sustainable development of international environmental law", Master's thesis, Tehran University, Faculty of Law and Political Science [In Persian].
- Sands, P. (1995). "Principles of International Environmental Law" vol: I (Frame work, Standards and Implementation). Manchester University Press.
- Stephen C. McCaffrey, (1993). "The Evolution of the Law of International Watercourses" , *Austrian Journal of Public and International Law*, Stanford Librarie, 45(2), 87-111.
- Stockholm Declaration on the Human Environment, (1972). in Report of the United Nations Conference on the Human Environment, UN Doc.A/CONF.48/14, at 2 and Corr.1.
- Taghizadeh Ansari, M. (2005). "Environmental Rights in Iran", Tehran, Semat Publication, The Sixth Edition. [In Persian].
- Zarei, S., PoorHashemi, S. A. , Khalatbary, E. (2013). "The place of the principle of cooperation in international environmental law", *Journal of Public Law*, Allameh Tabataba i University Press, 15(39),61-90. [In Persian].

